

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی – فرهنگی

۳۱ نومبر ۲۰۱۰

یادداشت پورتال:

خوشحالیم که باز مقاله ای را از نویسنده نامدار و دلسوز افغان، جناب "ولی احمد نوری"، منتشر میسازیم. جناب نوری سالیان درازی را صرف زبان و فرهنگ وطن نموده و چند اثر فاخر را به زبان ملی دری تألیف کرده اند، که هر کدام شایسته تمجید و سپاسداری فراوان میباشد. جناب نوری با نشر مقاله «استعمال نام "افغانستانی" جرم است» در شماره ۶۳۲ جریده "امید" – ماه اپریل ۲۰۰۴ – همه ای را بپا کردند. ایشان ضمن این مقاله منحصر به فرد، با درکی موشگافانه متوجه دو نکته حساس و عمده زمان ما گردیدند:

– تأکید بر "هویت ملی افغانی" ما و رد اصطلاح "افغانستانی" که از چننه نمک حرامان برخاسته بود.

– سد سازی. استعمال اصطلاحات فارسی ایران بعوض اصطلاحات و کلمات مأنوس و مقبول دری افغانستان.

جناب نوری با باز کردن مدخل بحث روی این دو موضوع، که اولی به "هویت ملی" و دومی به "هویت زبانی" ما ارتباط میگیرد، مسأله مهم و داغی را بمیدان انداختند و راهگشای مباحثات عمیق و عالمانه دانشمندان دلسوز افغان قرار گرفتند. جناب نوری با پیش کشیدن این دو موضوع خیلی مهم بالا، در واقع در صدر حرکتی قرار گرفتند، که اکنون ثمره و نتایج مثبت آن را در داخل وطن عزیز به چشم سر میبینیم.

مقاله ای را که اکنون از قلم ایشان میخوانیم، به قدرانی از دو شخصیت ادبی و دلسوز داخل وطن نوشته شده است، که از طریق پروگرامهای تلویزیونی، در حراست نحوه خاص دری افغانستان و مصون ماندن آن از اثرات سوء، سعی بلیغ بخرج میدهند.

موفقیتهای مزید جناب نوری و همه کسانی که درین عرصه مهم گام بر میدارند، آرزوی ماست.

متصدی امور "ادبی – فرهنگی"

پورتال AA-AA

ولی احمد نوری

۳۰ نوامبر ۲۰۱۰

"دانش"، افتخار و سنگردار زبان دری

صبح روز دوشنبه ۲۲ نوامبر قرار عادت همیشگی تلویزیون آریانای کابل را مشاهده میکردم. پروگرام "صبح و زندگی" بود که از طرف دو جوان افغان به روزهای معین نشر میشود.

در برنامه این روز "صبح و زندگی" جناب عبدالرحیم دانش مؤسس و مسؤول پروگرام "قصه های جنگ"، دعوت شده بود. پروگرامی که نظیر آنرا تا حال در هیچ تلویزیون افغانی و خارجی ندیده ام. جا دارد بر آفریننده آن که جناب "دانش" باشد، تهنیت و تبریک بگوئیم و از این استعداد سرشار و مردم پرستانه شان احساس فخر و مباهات کنیم.

جناب رحیم دانش با فهم و استعداد درخشانده ای که دارد توانسته است عمیق ترین دردها و آلام مردمش را که از جنگهای سی سال اخیر متحمل شده اند، با احساس سرشار از عشق مردم به تصویر بکشد و احساس هموطنانش را برای جلب استعانت و معاونت به این مردم درد دیده و رنج کشیده جلب نماید. ایشان بسیار به زیبایی توانسته اند مفهوم این مصراع را که :

"چو ایستاده ای دست افتاده گیر"

به گوش مردمان متمول و ثروتمند جامعه برساند و کمک و یاری آنها را در حق هموطنان رنجور و بی بضاعت شان جلب نماید. جناب رحیم دانش با آفریده های تصویری و صوتی عالیش که از ورای تلویزیون آریانا پخش می شوند توانسته فریاد کند که :

**تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی**

هر حرکت، هر تصویر و هر حرف "قصه های جنگ"، این بیت حضرت سعدی را فریاد میکند.

"قصه های جنگ" جناب رحیم دانش، قصه نیست، افسانه نیست بلکه حقایق دردناک و واقعیت های غم انگیز ویرانی افغانستان توسط رژیم کمونیست (خلق و پرچم) و جنایات تنظیم های باصطلاح جهادی است که از سی سال بدین سو، نخست کمونیست ها و بعد اسلامیت های افراطی، مردم مظلوم ما را به خاک و خون نشانده اند. هر صحنه این برنامه شاهد زنده ایست که خاطرات غمگین و درد انگیز زندگیهای برباد رفته مردمان بیگناه و بی پناه را بیاد میدهد، و نفرین همه ملت افغان را از این جانیان و آدم کشان در دل تاریخ می سپارد. این جانیان میتوانند از خانه ملت (ولسی جرگه) خود را عفو نمایند، ولی ملت افغان هیچگاه اینها را بخشودنی نیست و هر مدتی اگر هم بگذرد مانند نازی های المان محاکمه شدنی هستند و به کیفر اعمال شان رسیدنی!!! این بود فشرده ای از شایستگی و نجابت بشری این انسان با فرهنگ و با ترحم (دانش) که یاری و کمک انسان به انسان و بالاخص افغان به افغان را فریاد میزند. من هر لمحہ از صحبتش را موجب مباحثات میدانم و به وجود ایشان افتخار میکنم.



عبدالرحیم دانش (فوتو: ولی نوری)

حالا می رویم بسوی بُعد دیگر شخصیت این افغان فرهیخته که سنگردار فرهنگ اصیل دری و زبان مردمش میباشد. از سخنان و جوابهایش به متصدی پروگرام "صبح و زندگی" متوجه شدم که این فرزند افغان مدت زیادی را در کشور همسایه ما ایران بحیث مهاجر و پناهنده بسر برده و تحصیلاتش را نیز در رشته ادبیات در همان سامان به پایان رسانیده است. از طرز سخن گفتن و ارائه مطالبش ملتفت شدم که این هموطن گرامی من، برخلاف آن عده از افغانهایی که از کشور ایران برگشته اند، با زبان خودش، یعنی با زبان مردمش و با لهجه زیبای افغانیش گپ میزند و هیچ کلمه ای از اصطلاحات ایرانی را نمیتوان در کلامش سراغ کرد. بلی؛ او با لهجه مقبول زبان دری جامعه و مردمش صحبت میکند و سرورانه با ادای آن افتخار می آفریند.

همچنان نباید فراموش کنیم که سنگر دار دیگر زبان، لهجه و اصطلاحات دری افغانستان در تلویزیون آریا جناب نثار احمد "نیک سیر" (متخصص صاحب) میباشد که با دیگر همکاران برنامه زیبای "خنده های گریه دار" و "حکایت های متخصص" در برابر تهاجم فرهنگی ایران اعلان جهاد کرده اند و در کنار جناب دانش برای اصالت زبان و اصطلاحات دری می رزمند.

از مدتی که من این سروران را در برنامه های شان می بینم، یک بار هم از زبان ایشان بجای کلمه (هموطن)، کلمه "شهروند" را شنیده ام و بجای کلمه (خاص) از کلمه "ویژه" استفاده نکرده اند. کلمات "واژه"، "ته بنا"، "ژرف"، "تک تک" را بجای اصطلاحات زیبای "کلمه"، "زیر بنا"، "عمیق" و "هر یک" بکار نبرده اند و با این طرز صحبت خود ثابت ساخته اند، که سنگر داران استوار زبان و لهجه زیبای دری وطن خود میباشند.

هموطنان عزیز من، جناب عبدالرحیم دانش و جناب متخصص! شما افتخار همه هموطنان دلسوز و وطنخواه خود می باشید. همه کارکنان، برنامه سازان، نطافان و گردانندگان تلویزیون آریانا، تلویزیون ملی و تلویزیونهای دیگر افغانی که هر روز بیشتر با زبان و لهجه دری خود بیگانه میشوند، باید از شما بیاموزند و... از مسیر غلطی که برگزیده اند، باز گردند.

چه "وای به روزی که اغلاط دو چندان گردد". این عنوان مقاله بسیار آموزنده نویسنده عالی مقام جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی است که مطالعه آنرا به همه نطافان و گردانندگان رادیوها و تلویزیونهای افغانی توصیه میکنم. این مقاله عالی در آرشیف جناب معروفی در پورتال "افغان جرمن آنلاین" موجود است. شما می توانید با یک کلیک بر لینک زیر آنرا دریافت کنید. (*)

[http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/120310-KM-Waay-ba-Roozey-ke-Aghlaat-doo-Chandaan-Gardad\[1\].pdf](http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/120310-KM-Waay-ba-Roozey-ke-Aghlaat-doo-Chandaan-Gardad[1].pdf)

من یقین دارم که بعد از مطالعه این مقاله دیگر "پوهنتون" را "دانشگاه" و "شاروالی" را "شهرداری" نخواهند گفت و "شاروال" یا رئیس بلدیة " را " شهردار " نخواهند نوشت. "عکس العمل" را "واکنش" و بجای "می خوانم" یا "به سمع شما میرسانم"، "به خوانش میگیرم" نخواهند گفت.

ایرانی ها مثلی که "کرزی" و "خلمی" را غلط تلفظ میکنند و "کرزای" و "زلمای" میگویند، "امریکا" را نیز غلط تلفظ میکنند و "آمریکا" میگویند. ما چرا بصورت عمدی، طوطی وار با مسخ زیبا ترین اصطلاحات دری خود از غلط آنها تقلید نمائیم؟

اگر چنین دوام نماید و همه فرزندان عزیز ما که در رسانه ها، رادیوها و تلویزیونها مصروف خدمت اند به این "غلط تلفظ کردنها" ادامه دهند و از لهجه و اصطلاحات فارسی ایران تقلید نمایند، به اصطلاح مردم عزیز کابل، "قصه ما مفت میشود"، لهجه زیبای زبان دری ما و اصطلاحات مقبول زبان ما مسخ گردیده و بدیار عدم سپرده خواهد شد.

من این زنگ خطر را چندی قبل هم به صدا درآورده و ضمن مقاله ای، توجه مسئولان و رؤسای رادیوها و تلویزیونهای افغانی را جلب کرده بودم. امیدوارم و از خواننده ارجمند دعوت میکنم، که آنرا با یک کلیک در لینک زیر مطالعه فرماید. و اینک باز می نویسم و باز هم خواهم نوشت، تا صدای ما ملت افغانستان یکی شده و به گوش این برادران غافلم برسد.

http://www.afghan-german.de/upload/Tahlilha_PDF/wali_nouri_qabel_tawajoh_tv_hay_afghani.pdf

(*) همچنان مقالات ناب آتی و مقالات بی شمار دیگر را از قلم توانای جناب معروفی در دفاع از اصالت زبان زیبای دری و اصطلاحات آن در همین پورتال افغان جرمن آنلاین (در آرشیف جناب معروفی) می توانید مطالعه فرمائید:

- ۱- حکم محکمه تاریخ در مورد زبان ستیزان - تاریخ بی پرواست و بر هیچ کس رحم نمیکند!!
- ۲- نفوذ زبان پشتو در دری افغانستان - آیا زودن کلمات پشتو از دری امکان دارد؟
- ۳- سر نوشت کلمات بیگانه در زبان ها - چرا چند کلمه پشتو باعث تشویش بعضی کسان گردیده است؟
- ۴- اندر باب دری افغانستان و فارسی ایران
- ۵- آنچه خود داشت ز بیگانه تمنی میکرد.
- ۶- دوزبانگی پشتو زبانان افغانستان و سطرری چند در مورد.

علاوه بر این مقالات، میتوانید مقالات نامعدود دیگر جناب خلیل الله معروفی را که ضمن سلسله های مختلف در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر کرده اند و همه در آرشیفهای مختلف - و از جمله در آرشیف خود ایشان در آن پورتال - در دسترس است، از نظر بگذرانید!!!